

اعتکاف اخراجی‌ها

محمد بهمنی



قسمت مردونه به سه تیپ جوان دیروز، امروز، فردا تقسیم شده بود که هر گروه سرش به کار خودش بود. من هم به عنوان روحانی تیپ چهارمی بودم که می‌بایست با همه کنار می‌اومدم. یادم رفت بگم، چندتا از جوونای با حال شهر، که شهره خاص و عام بودند هم اومده بودند برا گزارش گیری. بعد از نماز مغرب که می‌شد جمع کثیری از دوستان الواط و رفقای گرام جمع اخراجی‌ها، با کلی پفک و چیپس و تخمه گوشه مسجد جمع می‌شدند و تبادل اطلاعات و گزارش روزانه می‌کردند. الواط معتکف از حال و هوای اعتکاف می‌گفتند و دوستانشون از اتفاقات کوچه و خیابون. که دل چندتا از رفقا شون را هم به خاطر این که نیومده بودند اعتکاف کباب کرده بودند.

روز سوم اعتکاف به اصرار یکی از مادر بزرگ‌های معتکف، نماز جعفر طیار را اجتماعی (این غیر از نماز جماعت است. کمی تا قسمتی من درآوردی بود) خواندیم. تقصیر خودم شد. میکرفون رو دست گرفتم و گفتم اگه فرصت و حالشو داشته باشی، نماز جعفر طیار برا اجابت دعا و بقیه چیزها خیلی جواب می‌ده. یه مادر بزرگی از پشت پرده گفت: حاج آقا ما که بلد نیستیم خودتون بخونید ما اقتدا می‌کنیم. حالا من هرچی توضیح می‌دادم که آخه نماز مستحبی به جماعت باطله. انگار برا خودم حرف می‌زدم.

این بود که قرار شد من برا خودم بخونم و مردم هم فرادا نیت نماز کردند ولی سوره‌ها و ذکرهای نماز رو بلند می‌خوندم تا بقیه تکرار کنند. البته تجربه جالبی بود. غروب روز سوم، اعمال ام داوود که تموم شد، جمع الواط برای تشکر از زحمتهای خالصانه!!!!!! بنده، حقیر را به مقام سردسته اخراجی‌ها مقتخر کردند و قرار شد سری دوم اخراجی‌های اعتکاف، امسال هم به راه باشه.

این مطلب
رد
شد!!!

